



سومین همایش ملی  
بانوی که راه اسلام  
بزرگداشت حضرت خدیجه

۳۰ دی ماه ۱۴۰۰ ، استان یزد



ISC  
Islamic World Science Citation Center

CIVILICA

SID

## منزلت اجتماعی زن مسلمان مطابق با سبک زندگی حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)

زینب قاسمی<sup>۱</sup>

### چکیده

با توجه به نقش بسیار مهم زنان در اجتماع و لزوم الگوبرداری صحیح، در این تحقیق «منزلت اجتماعی زن مسلمان مطابق با سبک زندگی حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)» به روش توصیفی تحلیلی و تطبیق بر متون نقلی و تاریخی بررسی شده است و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. جایگاه و نقش حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در سخت‌ترین دوران تاریخ اسلام بر کسی پوشیده نیست؛ او در دوران بعثت با حمایت‌های مادی و معنوی خویش از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، نقش مهمی را در تثبیت و گسترش اسلام ایفا کرد. او یک الگوی نمونه برای زنان و مردان جامعه است؛ چراکه در وجود ایشان ارزش‌ها و کمالات انسانی فراوان بوده است. او تمام ثروت، امکانات اقتصادی و هستی خویش را در راه رضای حق بخشید و نیز با حمایت‌های روحی، روانی و اجتماعی از پیامبر در ترویج اسلام و پیشبرد اهداف آن نقش بسزایی داشت. همچنین او با این کار نام خویش را به‌عنوان الگوی واقعی و راستین تاریخ آفرینش ثبت کرد. پذیرش اسلام و حراست از آن، بیعت با ولی زمانه، حمایت‌های مالی و عاطفی، امر به معروف و نهی از منکر، هجرت و اشتغال‌زایی از ابعاد الگوبرداری از حضرت خدیجه است.

**واژگان کلیدی:** حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها)، زن، سبک زندگی، منزلت اجتماعی.

<sup>۱</sup>. طلبه سطح ۲، مدرسه الزهرا (س).

## ۱- مقدمه

زن به عنوان یکی از مخلوقات خداوند، از دیرباز کانون توجه بوده و گاهی نیز مورد داوری‌های غیرمنصفانه قرار گرفته است. با ورود اسلام، جایگاه ویژه‌ای به زن داده شد که تا قبل از آن کمتر چنین دیدگاهی مطرح می‌شد. اسلام به زن مقامی همسان با مردان داده و ملاک برتری را بر اساس تقوا پایه‌ریزی نمود.

زن یکی از ارکان اساسی خانواده را تشکیل می‌دهد و با حضور خود در خانه می‌تواند آن را به خوبی مدیریت کرده و اعضای آن را صمیمانه کنار هم جمع نماید. در اسلام علاوه بر مسئولیت اداره خانه و تربیت فرزندان، که از مهم‌ترین وظایف اوست، در بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی با مردان شریک است و انجام این وظیفه خواه و ناخواه او را از حصار خانه به صحنه‌های اجتماعی می‌کشاند.

گسترش اسلام مدیون زحمات و تلاش‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و زنان و مردان بزرگی است که با همت بلند و تلاش خود اسلام را در دنیا گسترش دادند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، جزء اولین افرادی است که به اسلام ایمان آورد و از کیان آن دفاع نمود. جایگاه اجتماعی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در تاریخ اسلام و نقش موثر ایشان در حمایت‌های مادی و معنوی خویش از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، به عنوان عامل مهمی در تثبیت و گسترش اسلام بوده است. همین امر نشان دهنده‌ی حضور اجتماعی آن حضرت می‌باشد.

حال سوال اینجا مطرح می‌شود که:

جایگاه زنان در اجتماع از نظر اسلام چگونه است؟

حضور اجتماعی زنان با تاسی از زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) چگونه باید باشد؟

با توجه به مطالعات انجام شده در این موضوع، اگر چه مقالات بسیاری نگاشته شده ولی همچنان مورد توجه مجامع علمی و فرهنگی است. بحث راجع به این مطلب سبب می‌شود زوایای پنهان آن روشن تر شده و زنان جامعه به خوبی بتوانند عملکرد خود را در اجتماع تنظیم کنند.

جواد خرمی، مقاله‌ای تحت عنوان جایگاه اجتماعی زن در اسلام به شماره مجله ۶۷ به چاپ رسانیده و همینطور بهروز محمدی و امید قادرزاده مقاله‌ای تحت عنوان جایگاه زن در جامعه از منظر اعضای جماعت دعوت و اصلاح کردستان به شماره مجله ۳ نگاشته‌اند. شهین جلیلیان و سید محمد دادگران نیز مقاله‌ای با عنوان بررسی جایگاه اجتماعی زن در آثار فیلمسازان زن و مرد به شماره مجله ۱۳ به چاپ رسانیده‌اند.

این نوشتار سعی دارد منزلت اجتماعی زنان با نگرش به زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را در جایگاه زنان در اجتماع از نظر اسلام و حضور اجتماعی زنان با تاسی از زندگی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به سر انجام برساند.

## ۲- مفهوم شناسی واژگان تحقیق

### ۲-۱- منزلت

در لغت به معنای مرتبت، مقام، رتبه، جایگاه می‌باشد.<sup>۱</sup>

در علوم اجتماعی، منزلت، پایگاه اجتماعی است که فرد در میان یک گروه دارد. <sup>۲</sup>وبر منزلت را برآوردی مثبت یا منفی از احترام پذیرفته شده از سوی افراد یا موقعیت‌ها تعریف کرده است. منزلت، بازتاب دهنده عواملی هم چون منشأ خانوادگی رفتار، تحصیلات و ویژگی‌های مشابه است که دست یابی به آنها یا از دست دادنشان سخت تر از به دست آوردن یا از دست دادن ثروت اقتصادی است.<sup>۳</sup>

### ۲-۲- سبک زندگی

در اصطلاح به علایق، نظرات، رفتارها و جهت گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره می‌کند. به معنای شیوه ی زندگی خاص یک فرد، گروه، یا جامعه است. این اصطلاح نخستین بار توسط آلفرد آدلر روان شناس اتریشی استفاده شد.<sup>۴</sup>

مترادف‌ها: رفتار، طرز عمل، اسلوب، روش، مسلک.

### ۲-۳- حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه بنت خویلد اولین همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد. این بانوی با کرامت از آنجایی که به جهت حسب و نسب و جایگاه مالی، از مکانت ویژه‌ای برخوردار بود، بسیاری از بزرگان مشرکین عرب آرزوی ازدواج با ایشان را داشتند اما این بانوی بزرگوار که تمام هم و غمش تعالی الهی بود، دست رد به سینه تمامی آنها زد و ازدواج با حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را برگزید. این امر سبب اعتراض تعداد زیادی از زنان اشراف و قریش به آن حضرت شد به گونه‌ای که حتی هنگام تولد ثمره این

۱. دهخدا، لغت نامه دهخدا.

۲. جلیلی، درآمدی بر جامعه شناسی، ص ۱۷۹.

۳. حلبی، دانشنامه عمومی.

۴. حلبی، دانشنامه عمومی.

ازدواج، یعنی اجلال نزول حضرت زهرا (سلام الله علیها)، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) را رها کردند و در کنار ایشان حضور پیدا نکردند. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در راستای تبلیغ دین مبین اسلام و اعتلای پرچم توحید و یکتاپرستی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد و با تمامی توان به یاری آخرین فرستاده الهی شتافت و همه اموال خویش را در این راه صرف نمود.<sup>۱</sup>

### ۳- جایگاه زنان در اجتماع

زن زیربنایی ترین پایه های اخلاقی را در یک جامعه رقم می زند و با استفاده از پایگاه اجتماعی مختلف نقش های گوناگونی را عهده دار می شود. حضور یک زن در تمام لحظات زندگی و از ابتدای خلقت تاکنون مأنوس رفتار نیک مردان شده است. صحنه های اجتماعی مملو از زنان با توانمندی هایی است که پا به میدان گذاشته اند و هر یک نقش سازنده ای را به عهده داشتند.

امروز گفتمان زنان گفتمانی غالب در سطح جوامع است و از آنجا که نیمی از هر جامعه را زنان تشکیل می دهند، مسائل مربوط به آنان حائز اهمیت است. در طول تاریخ اجحاف های زیادی در حق زنان صورت گرفته است. زمانی در یونان باستان زنان را همچون بردگان خرید و فروش و از کمترین حقوق انسانی محروم می کردند. بعدها با وقوع رنسانس و ورود به عصر روشنگری، جریان های برابری طلبانه در نتیجه این ظلم تاریخی شکل گرفتند. در جامعه امروز ۳ جریان عمده در قبال مسائل زنان وجود دارد. عده ای هرگونه حضور اجتماعی زن را رد کرده و حکم به خانه نشینی او می دهند. جریان های برابری طلبانه زن را به حداکثر حضور اجتماعی برابر با مردان تشویق می کنند و گروه سوم نظری بینابین دارند.

یکی از برنامه های تربیتی اسلام برای همه انسان ها به ویژه زنان، تربیت اجتماعی و به بیان دیگر، آماده ساختن آنان برای حضور مؤثر و مفید در جامعه است، به گونه ای که بتوانند در برقراری ارتباط با دیگران و نیز برای رشد خود بکوشند. همچنین در برابر جامعه احساس مسئولیت داشته باشند و آنچه را به مصلحت خود و خانواده و جامعه است، بپذیرند. بی تردید اسلام، مانعی بر سر راه فعالیت های اجتماعی زنان ایجاد نکرده است، بلکه در آموزه های الهی، سازوکار و ابزار ضروری این حضور پیش بینی شده است و همه احکام صادر شده مانند حجاب، منع از نگاه به نامحرم، کیفیت سخن گفتن و تأکید بر وجود شاخصه هایی چون حیا و عفت، همه از لازمه های این حضور است.<sup>۲</sup>

پیام آور بزرگ دین، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) خود، زمینه ساز حضور فعال زنان در اجتماع است. حضور زنان در بیعت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) امری سیاسی - اجتماعی بود یا مهاجرت

<sup>۱</sup>. سایت ویکی فقه.

<sup>۲</sup>. معین الاسلام، زنان و برنامه تربیتی اسلام، ص ۸۶ و ۸۷.

زنان به همراه مردان که نوعی اعلام مخالفت آشکار با حاکمان ستمگر زمان است، از جمله فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی زنان در عصر پیامبر خدا به شمار می‌آید. گفتنی است نخستین بیعتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) با مسلمانان بستند، به «بیعه النساء» معروف شد؛ زیرا زنان در آن حضور فعال داشتند. همچنین در زمان پیامبر اسلام، زنان اجازه داشتند نمایندگان خود را به محضر رسول خدا بفرستند و پرسش‌ها و خواسته‌های خود را بیان کنند و همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در نمازهای جمعه و جماعات و نمازهای عید فطر و قربان شرکت کنند.<sup>۱</sup> همچنین نقل است زنی به نمایندگی از طرف زنان مدینه خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) آمد و از حضرت خواست کلاس درسی برای بانوان برپا کند. حضرت فرمود: «زمان و مکان تجمع خود را اعلام کنید.» از آن پس، پیامبر زمانی را به آموزش بانوان اختصاص داد و در محافل علمی آنان حضور یافت.

حضور فعال زنان در جامعه نوظهور اسلامی و حضور همسران رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در جایگاه استادی و نقل حدیث از جمله ۳۷۸ روایت از ام سلمه، ۸۱ روایت از اسماء بنت یزید، ۷۷ روایت از میمون، همسر پیامبر خدا، ۶۰ روایت از حفظه و ۵۸ روایت از ام حبیبه همه نشان دهنده حضور فعال بانوان در عرصه‌های علمی است.<sup>۲</sup>

در صدر اسلام، زنان حتی در جنگ‌ها و در پشت میدان جنگ نقش گسترده‌ای داشتند. زنان هنگام جنگ در رسانیدن آب و غذا به لشکریان، تهیه و توزیع دارو، نگهداری از مهمات جنگی و توزیع آن میان سپاه و نیز حفاظت از وسایل رزمندگان و تعمیر لوازم و ابزار جنگ، حضوری فعال داشتند. با اینکه شرکت در جنگ جزو وظایف زنان نبود، ولی در شرایط موجود، آنان برای انجام وظیفه نظامی به جبهه می‌رفتند. از جمله زنانی که در میدان جنگ حاضر شدند، می‌توان به ام ایان، دختر عتبه؛ ام کلیم، دختر حارث بن هشام مخزومی که هفت نفر از دشمنان اسلام را در جنگ یرموک به هلاکت رسانید و ام وهب، نخستین زن شهید در حادثه عاشورا اشاره کرد که در کنار همسرش به شهادت رسید.<sup>۳</sup>

رهبر انقلاب بیان می‌کنند: (عرصه فعالیت‌های اجتماعی) اعم از فعالیت اقتصادی، فعالیت سیاسی، فعالیت اجتماعی به معنای خاص، فعالیت علمی، درس خواندن، درس گفتن، تلاش کردن در راه خدا، مجاهدت کردن و همه‌ی میدانهای زندگی در صحن جامعه (است). در این جا میان مرد و زن در اجازه‌ی فعالیت‌های متنوع در همه‌ی میدانها، هیچ تفاوتی از نظر اسلام نیست. اگر کسی بگوید مرد میتواند درس بخواند، زن نمیتواند؛ مرد میتواند درس بگوید، زن نمیتواند؛ مرد میتواند فعالیت اقتصادی انجام دهد، زن نمیتواند؛ مرد

۱. ابن عبد البر، استیعاب، ج ۴، ص ۴۶۴؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۴۶۲.

۲. معین الاسلام، زنان و برنامه تربیتی اسلام، ج ۱، ص ۸۸.

۳. گلدانی، حقوق زنان، انقلاب اسلامی و فرآیند جهانی شدن، ج ۱، ص ۱۱۳.

میتواند فعالیت سیاسی کند، زن نمیتواند، منطق اسلام را بیان نکرده و بر خلاف سخن اسلام حرف زده است. از نظر اسلام، در همه ی این فعالیت های مربوط به جامعه ی بشری و فعالیت های زندگی، زن و مرد دارای اجازه ی مشترک و همسان هستند. البته بعضی از کارها هست که باب زنان نیست؛ چون با ترکیب جسمانی آنها تطبیق نمیکند. بعضی از کارها هم هست که باب مردان نیست؛ چون با وضع اخلاقی و جسمی آنها تطبیق نمیکند. این موضوع ربطی به این ندارد که زن میتواند در میدان فعالیت های اجتماعی باشد یا نه. تقسیم کار، بر حسب امکانات و شوق و زمینه های اقتضای این کار است.<sup>۱</sup>

#### ۴- حضور اجتماعی زنان با تأسی از حضرت خدیجه (سلام الله علیها)

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از آغاز ازدواج با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، در ناملايمات و سختی ها همیشه همراه و پشتیبان پیامبر اسلام بوده و از هیچ کوششی دریغ نورزیده اند. در ادامه به فعالیت های اجتماعی و حمایت های آن حضرت می پردازیم که زنان جامعه با تأسی از ایشان می توانند بهترین اسوه زندگی اجتماعی را برای خویش برگزینند.

##### ۱-۴ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و پذیرش اسلام

از مصادیق مجاهدت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می توان به موضوع پذیرش اسلام در سال های جهل و گمراهی، و نیز تقیه شدید در شرایط خوفناک و وحشتناک آن عصر اشاره کرد.

میزان خطرات پذیرش اسلام در آن دوره به حدی بود که امام صادق (علیه السلام) می فرماید: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پنج سال در مکه به طور پنهانی می زیست، علی و خدیجه (علیهما السلام) با او بودند و اسلام خود را پنهان داشته، و به شدت تقیه می کردند.<sup>۲</sup>

از جمله فضایل نفسانیه، حفاظت و حراست از دین است؛ زیرا که دین حافظ حقوق و منافع مردم است. و شرافت و سیادت انبیاء بر غیر، به واسطه همین است که آنها حافظ دین بوده اند، و هر کس که زیادتر از دیگران در نگه داری دین تلاش نمود، به حکم وجدان، اشرف و افضل از دیگران می باشد. و هر دینی که جامعیتش بیشتر بود، سرآمد همه ادیان است. بنابراین چون که اسلام از تمامی ادیان جامع تر و کامل تر است، افضل بر همه ادیان می باشد و کسی که در راه حفظ چنین دینی سعی و کوشش نماید قهرا افضل از دیگران خواهد بود. حال با توجه به آنچه که ذکر نموده ایم شخصیت و جلالت حضرت خدیجه (سلام الله علیها) برای هرکسی روشن خواهد شد، آن حضرت اولین کسی بود که در میان زنها به

<sup>۱</sup>. سخنرانی رهبر انقلاب، ۷۵/۱۲/۲۰.

<sup>۲</sup>. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۱۹۷.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) ایمان آورد<sup>۱</sup> و اولین حامی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) بود و در راه حفظ دین و آیین و شریعت نبوی (صلی الله علیه وآله وسلم) است از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.<sup>۲</sup>

## ۲-۴ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و بیعت با ولی زمانه

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نه تنها پیشتازترین زن در گرایش به اسلام و ایمان و نماز و پرستش خدا بود، بلکه نخستین بانویی است که دست بیعت به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) داد، و قهرمانانه پیمان بست که از حق حیات، حق آزادی، حق برابری، حق دفاع و دیگر حقوق طبیعی و انسانی رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در برابر فشار تاریک اندیشی و تعصب انگیزی و استبداد، با همه وجود امکانات و اعتبار خویش نیز سخت وفادار ماند و فداکاری‌های تحسین برانگیزی در این راستا نمود.

در این مورد آورده اند که: حضرت صادق (علیه السلام) در پاسخ فرزندش امام کاظم (علیه السلام) در مورد چگونگی اسلام و ایمان و بیعت علی و خدیجه (علیهما السلام) فرمود: هنگامی که علی و خدیجه (علیهما السلام) اسلام آوردند، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) روزی آن دو را فرا خواند و فرمود: شما برای تقرب به بارگاه خدا اسلام آورده و در برابر برنامه آسمانی - که از سوی او آمده است - سر فرود آورده اید، اینک اگر در اسلام و ایمان خویش استوار هستید، باید با خدا و پیامبرش بیعت کنید تا به سلامت و رستگاری هماره اوج گیرید. آنگاه علی و خدیجه (علیهما السلام) افزون بر اسلام و ایمان، با خدا و پیامبر و دین او، برای فداکاری و ایثار تا پای جان بیعت نمودند.<sup>۳</sup>

در روایت دیگری آمده است که: پس از اسلام و ایمان علی و خدیجه (علیهما السلام)، روزی پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) آن دو را به حضور خواند و فرمود: این فرشته وحی است که نزد من آمده و می گوید: اسلام و باور آن، دارای شرایط و مقررات و پیمان هایی است. آنگاه از یکتایی خدا، صفات کمال و جمال او، رسالت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، فرود وحی و پیام آسمانی، ایمان به معاد و جهان پس از مرگ و پاداش و کیفر آن سرا و دیگر اصول و فروع اسلام، سخن گفت و از پی آن، از آن دو پیشتاز در حق گرایی و عدالت خواهی پرسید: آیا به همه آنچه که بر شمردم گواهی می دهید؟

نخست امیر مؤمنان علی علیه السلام و بعد حضرت خدیجه علیها السلام دگر باره لب به اقرار و اعلام و باور عمیق خود گشودند. در این هنگام پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به فرمان خدا دست مبارک را گشود و دست علی (علیه السلام) را در میان دست خود نهاد و فرمود: علی جان! با من در مورد شرایط و مقررات

۱. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج ۳، ص ۱۰۹۲.

۲. تهرانی، حسین خصائص ام المومنین، ج ۱، ص ۴۹۶.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۳۲.



اسلام - که برایت بیان شد بیعت نما و پیمان ببند که از من و آرمان من، همان گونه دفاع نمایی که از خود دفاع می کنی.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به گونه ای غرق در شور و جذبه بود که با دیدگانی اشکبار گفت: پدر و مادرم فدایت! به خواست خدا همانگونه که فرمودی با تو دست بیعت می دهم. آنگاه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رو به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نمود و از او خواست تا دستش را روی دست پیامبر قرار دهد و همان گونه بیعت نماید، و او نیز با پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بر این اساس بیعت نمود.<sup>۱</sup>

بدین سان حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دوشادوش امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و همفکر و هم‌رزم و هم اندیش با او، اسلام آورد، و به پر فراز ترین مراحل ایمان اوج گرفت.

### ۳-۴ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و حمایت های مالی

پیرامون مظاهر ثروت خدیجه (سلام الله علیها) نوشته اند: هشتاد هزار شتر، اموال تجاری او را حمل و نقل می کردند. بارگاهی از حریر سبز با ابریشم بر بام خانه اش برافراشته بودند که مردم رفت و آمد می کردند و به فقرا کمک می شد. چهار صد غلام و کنیز امور اقتصادی و شخصی او را اداره می کردند.<sup>۲</sup>

به راستی که نقش تاریخی و فداکاری های اقتصادی حضرت خدیجه در یاری رسول خدا - که مشکلات فراوانی را از پیش پای ایشان برداشت و منجر به آرامش روحی ایشان گردید - بسیار مشهود است. و پس از ازدواج مبارک امین مکه و طاهره قریش، حرف روز مردم، ازدواج این بانوی بزرگ که به ثروتمندی نیز زبانزد خاص و عام است. با محمد جوان فقیر و بی بضاعت بود. شکسته بالان وادی عشق خدیجه در گوشه و کنار کمین کرده، پیمانه وجودشان از کینه و حسد مالا مال بود و از هر فرصتی برای تحقیر و توهین محمد با استفاده می کردند. بزرگترین دستاویزی که داشتند، یتیمی و تهیدستی محمد بود و این خود می توانست مجوزی برای سیل اتهامات و گفت و شنودهای ناروا و به دور از فضیلت درباره آن حضرت باشد. این خدیجه طاهره بود که لحظه به لحظه در جریان اخبار روزمره و حرف و حدیث های کوچک و خیابان قرار می گرفت و از بی حرمتی مردم نسبت به همسرش آزرده خاطر می شد؛ لذا برای این که کار را یکسره کند و طعنه زنان بی منطق را خلع سلاح نماید، تا دیگر کسی جرأت بدگویی از محمد این را به خاطر فقر و تنگدستی اش نداشته باشد، پسر عمیش «ورقه» را خواست و اختیار تمام اموال و دارایی های خود را به او سپرد و دستور داد که «ورقه» تمام دارایی خدیجه علیها السلام را به محمد هدیه نماید و

۱. غالب سیلاوی، الأنوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص ۳۳۸.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

یادآور شد: این همه دارایی و اموال از این پس ملک محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) است و به او تعلق دارد و هر طور که بخواهد می‌تواند در آن تصرف نماید و در ضمن فرمود: از قول من به محمد بگو که همه ثروت و سرمایه ام و تمام عمال و کارگزارانی که امر تجارت مرا سامان می‌دادند و تمام آن چیزهایی که به نام من ثبت شده است و در دست من قرار دارد و یا زیر نظر من اداره می‌شود، همه و همه را به او بخشیدم، از این پس من و هر آنچه که از آن من بود به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) تعلق دارد.

ورقه هم فرصت را مغتنم شمرد و با دستور العملی جامع از طرف خدیجه، در میان جمعیت حاضر در کنار کعبه و بین «زمزم» و «مقام» وارد شد و با صدای بلند فریاد زد: ای جمعیت عرب! من از طرف خدیجه سخن می‌گویم و پیام رسان او هستم.

(إن خدیجه تشهدکم علی أنها قد وهبت نفسها و مالها و عبیدها و خدمها و جمیع ما ملکت یمینها و المواشی و الصداق و الهدایا لمحمد صلی الله علیه و آله وسلم... إجلالاً له و إعظاماً و رغبه فیه فکونوا علیها من الشاهدین)

(خدیجه بانوی بزرگ و با اقتدار قریش، شما را به گواهی می‌طلبد. همه شما شاهد باشید که او (یعنی خدیجه علیها السلام) خودش، ثروت و سرمایه اش و همه خدم و حشم، و جمیع ما یملک خود و چهارپایان و صداق و مهریه و هدایایی را که از گوشه و کنار به او رسیده است، همه را به محمد بخشیده و در ملک خاص او قرار داده است تا تجلیل شایسته‌ای از شأن و شخصیت او به عمل آید و مورد تعظیم و تکریم واقع شود و در عین حال عشق و علاقه خدیجه (سلام الله علیها) را به محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بازگو کند، همه شما که حرف‌های مرا شنیدید بر این گفته‌ها گواه باشید).<sup>۱</sup>

این تصمیم حضرت خدیجه از جهاتی بزرگتر از تصمیم نخستین او برای ازدواج با محمد امین بود. همه بدخواهان را منکوب کرد و زبان‌های طعن و استهزاء را برید و زمینه را به نفع محمد امین، و پیامی که از طرف خداوند خواهد داشت، آماده ساخت. اهمیت این گذشت مالی و حمایت اجتماعی حضرت خدیجه از پیامبر اکرم به حدی قابل توجه است که بعضی از شرق شناسان در تحلیل علل پیروزی و موفقیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)، ثروت حضرت خدیجه (علیها السلام) را دخیل و تأثیرگذار دانسته اند و صد البته که این اموال در روزهای سخت، به ویژه در محاصره همه جانبه شعب ابی طالب، مایه قوت و پایداری مسلمانان گردید.

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۷۱.

در روایت دیگر فرمود: (مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ؛ هیچ مالی هرگز به من سود نرسانید آنگونه که ثروت خدیجه علیها السلام برای من سود رسانید).<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) تا وقتی که مبعوث به رسالت و نبوت شد، ابتدا کار دعوت مردم به اسلام را بطور پنهانی آغاز کرد و مدت این دعوت پنهانی را سه سال دانسته اند تا آنکه عده‌ای خصوصا جوانان خبر نبوت او را شنیده و دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) که به تدریج در مکه شایع شده بود را اجابت کردند و تعداد مسلمانان افزایش یافت. در این دوره بزرگان قریش انکار و مخالفت شدیدی نشان نمی دادند؛ تا اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از خدایانشان عیب جویی کرد و به آنان خبر داد که پدرانشان بر کفر و گمراهی بوده و در آتش هستند. در این هنگام آنها بر وی غضب کرده و با او دشمنی نموده و به آزارش پرداختند. ۳ سال بعد از نزول وحی دعوت علنی آغاز گردید.<sup>۲</sup>

خدیجه علیها السلام با موقعیت اجتماعی خویش توانست بارها پیامبر را از شر کافران و جاهلان برهاند. نمونه‌های زیادی در این مورد وجود دارد که ما تنها به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم:

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در ایام حج به بالای کوه صفا رفت و با صدای بلند ندا داد: ای مردم! من فرستاده پروردگارم. سپس به کوه مروه رفت و سه مرتبه همان سخن را تکرار کرد. کافران با سنگ به پیامبر حمله کردند. ابوجهل نیز سنگی پرتاب کرد که به پیشانی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم اصابت کرد و خون از پیشانی آن حضرت جاری شد. پیامبر به کوه ابوقبیس رفت و مشرکان نیز در پی آن حضرت رفتند. علی علیه السلام به سرعت خود را به خدیجه علیها السلام رساند و موضوع را برای او بازگو کرد. اشک از گونه‌های خدیجه علیها السلام جاری شد و همراه علی علیه السلام برای یافتن همسرش راهی کوه و دشت گردید. در این هنگام، جبرئیل بر پیامبر نازل شد و فرمود: فرشتگان از گریه خدیجه علیها السلام به گریه آمدند. او را فراخوان، به او سلام برسان و بگو خدا به تو سلام می‌رساند و او را به خانه‌ای بهشتی که از نور زینت داده شده است، بشارت ده.

سرانجام خدیجه علیها السلام و علی علیه السلام، پیامبر را یافتند و به خانه آوردند. مردم به خانه خدیجه علیها السلام حمله ور شدند و خانه او را سنگ باران کردند. خدیجه علیها السلام بیرون آمد و خطاب به آنان فرمود: «آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟» مردم با شنیدن سخنان خدیجه پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. آن گاه پیامبر، پیغام جبرئیل را به او رساند. خدیجه در پاسخ فرمود:

۱. مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۴، ص ۱۳.

۲. تهرانی، خصائص ام المومنین خدیجه کبری (سلام الله علیها)، ج ۱، ص ۴۹۹.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ عَلَى جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ وَ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ وَ بَرَكَاتُهُ.<sup>۱</sup>

خدا، خود، سلام است و سلام از اوست و سلام بر جبرئیل و بر تو ای رسول خدا و رحمت و برکات خداوند بر تو باد!

حال به ذکر چند نمونه از حمایت مالی حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می پردازیم:

۱-۳-۴. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با بخشیدن اموال خود فقر مسلمان مهاجر را که اموالشان مصادره گردیده بود، جبران می نمود.

۲-۳-۴ قحطی و خشکسالی و پس از آن ماجرای محاصره و تحریم اقتصادی از طرف قریش و هم پیمانان آنها که مدت ۳ تا ۴ سال به طول انجامید، ابوطالب و خدیجه (علیهما السلام) همه اموال خود را برای حفظ اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و کمک به محاصره شدگان در شعب ابی طالب در نهایت ایشار و مقاومت به مصرف رسانیدند.

۳-۳-۴ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با اموال حضرت خدیجه علیها السلام بردگان تحت شکنجه را خریداری می نمود و بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کرد. به بینوایان و تهیدستان کمک می کرد و مسلمانانی را که از مکه به مدینه هجرت می کردند و مشرکان اموال آنها را مصادره می نمودند، با مال خدیجه علیها السلام بی نیاز می نمود تا خود را به مدینه برسانند.

۴-۳-۴ هنگامی که «حلیمه» مادر رضاعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به مکه آمد و از قحطی و خشک سالی آن سال (۱۵ سال قبل از بعثت) شکایت کرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم آنها را بی نیاز نمود و به سوی قبیله شان «بنی اسد» روانه ساخت.<sup>۲</sup>

#### ۴-۴ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و حمایت های روحی و عاطفی

۱-۴-۴ اضطراب و فشارهای ناشی از دریافت وحی بر رسول اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) بسیار شدید بود. این مسئولیت خطیر الهی، و امتحان عظمی به حدی بود که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) پس از دریافت وحی به شدت می لرزید و از خدیجه (علیها السلام) می خواست که او را با لباس گرم بپوشاند.

۲-۴-۴ هدایت و ارشاد مردمی که سالها جهل و بت پرستی و خرافات ذهن آنها را متحجر کرده بود، امری بسیار دشوار و حتی محال می نمود. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) باید فشارهای مضاعفی را از سوی دشمنان آگاه و جاهلان فریب خورده تحمل می نمود. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) هرچیز مکروهی را که

۱. همسر آفتاب، مرکز پژوهش های صدا و سیما، ج ۱، ص ۳۳.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱.

میدید و میشنید و هر ناروایی که بر او وارد می‌گردید و محزون و متأثرش می‌ساخت. هنگام بازگشت به خانه با حضرت خدیجه (علیها السلام) در میان می‌گذاشت و خداوند بوسیله آن حضرت آن مکروه و ناروا را فرج و گشایش عنایت می‌فرمود. حضرت خدیجه (علیها السلام) همواره او را به ثبات و مقاومت دعوت می‌کرد و با درایت و عطوفت خود دردها و رنج‌ها و آلام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را تسکین می‌داد.<sup>۱</sup>

در آغاز رسالت، زمانی که بعضی از آشنایان و اطرافیان از گوشه و کنار - گاه به طور جسته و گریخته و گاه آشکار - برای تغییر حال پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ابراز نگرانی می‌کردند و گاه او را مجنون و گاه ساحر می‌خواندند.<sup>۲</sup> حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با روشن بینی خاص و درک هوشمندانه متوجه تغییراتی در پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و در وضع جسمانی آن حضرت شد و یقین داشت که تمام تغییرات و پیدایش آن وضع خاص جسمانی، آثار یک دگرگونی و تحول عمیق روحی و معنوی است نه عارضه‌ای دیگر و خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌گفت:

کلا - والله لا یخزیک الله أبدا، انک لتصل الرحم و تحمل الكل و تکسب المعدم و تقری الضیف و تعین علی نوائب الحق.... (خداوند تو را هرگز عاجز و ناتوان نمی‌سازد، چون تو در زندگی خود همیشه صله رحم داشته و داری، مهمانی می‌دهی و مهماندوستی و مهمان‌نوازی می‌کنی و از مستمندان و درماندگان دستگیری می‌کنی و فریاد رس مظلومان هستی).<sup>۳</sup>

۳-۴- قاسم و عبدالله پسران رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودند که در دوره کودکی وفات یافتند و پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را در غم مرگ خویش غمین ساختند. تا ابتلاء و امتحان دیگری رخ دهد و حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم سزاوارتر از گذشته بر ایمان و اعتقاد خود بیافزایند. مسلم مرگ فرزندان، در روح پدر و مادر اثری عمیق به جای گذاشته و قلب پیامبر و خدیجه علیها السلام از غم فقدان آنها جریحه دار شده است، مخصوصا در آن زمان که دختران را زنده به گور می‌کردند و پسران را بیشتر از خودشان دوست می‌داشتند و طبق فرهنگ جاهلی آن دوران روشنی خانه و خاندان به وجود فرزند پسر بود چرا که تنها پسر صلاحیت داشت جای پدر را بگیرد و دختر و زن موجودی بسیار تحقیر شده بودند، می‌توانیم حدس بزنیم که غم مرگ دو پسر تا چه اندازه دردناک بوده است.

در «تاریخ یعقوبی» نقل شده است:

۱. ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۸۲.

۲. ابن هشام کلبی، السیره النبویه صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۲۷۰.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۱، ص ۴۲.

(و توفی القاسم ابن رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) فقال و هو فی جنازته، و نظر إلی جبل من جبال مکه فقال: یا جبل لوانّ ما بی بک لهدک<sup>۱</sup>

هنگامی که قاسم از دنیا رفت نگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در کنار جنازه او به یکی از کوه‌های مکه افتاد و فرمود: ای کوه آن چه به من در مورد مرگ قاسم وارد شد اگر بر تو می‌آمد متلاشی می‌شدی)

حضرت خدیجه علیها السلام برای کم کردن این غم و ناراحتی پیشنهاد و اقدام به خرید «زید بن حارثه» می‌نماید<sup>۲</sup> و سپس او را آزاد نموده و با تمایل خود او و پدرش، رسول خدا او را به فرزندی می‌پذیرد تا جای خالی فرزندش را پر نماید و او را «زید بن محمد صلی الله علیه و آله وسلم» می‌نامند. پس از بعثت هم مردی که به امام امیر مؤمنان علی علیه السلام ایمان آورد و یکی از بهترین یاران و پیروان ایشان گشت «زید» بوده است.<sup>۳</sup>

اینجا نقش بانوی دورانیش و خردمند حجاز آشکار می‌شود که با وجود غم و اندوهی که بر قلب خودش مستولی بود برای کاستن غم و اندوه همسر گرانقدرش بر اساس شواهدی در تاریخ پیشنهاد خرید «زید بن حارثه» را می‌دهد و با امید دادن به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در سخت ترین شرایط و دلداری دادن به او در برابر فشارها و احساس دل تنگیها و زدودن گرد و غبار اندوه از گستره دل بیکران او با ظرافت و درایت و ایمان به خدا گامی دیگر در راه حمایت از اسلام برداشتند.

۴-۴-۴ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) هرچیز مکروهی را که میدید و میشنید و هر ناروایی که بر او وارد می‌گردید و محزون و متأثرش می‌ساخت. هنگام بازگشت به خانه با حضرت خدیجه (علیها السلام) در میان می‌گذاشت و خداوند بوسیله آن حضرت آن مکروه و ناروا را فرج و گشایش عنایت می‌فرمود. حضرت خدیجه علیها السلام همواره او را به ثبات و مقاومت دعوت می‌کرد و با درایت و عطف خود دردها و رنج‌ها و آلام پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را تسکین می‌داد.<sup>۴</sup>

۴-۴-۵ حفظ حرمت رسول اکرم با وجود وضعیت مالی حضرت خدیجه (سلام الله علیها): خدیجه علیها السلام به رغم اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه‌ای که داشت، در برخورد با رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و همواره حرمت او را پاس می‌داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمیداد. جلوه‌ای عالی از این رفتار را می‌توان در ماجرای ازدواج آن دو سراغ گرفت.

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲.

۲. نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۱۳.

۳. ابن هشام کلبی، السیره النبویه صلی الله علیه و آله و سلم، ج ۱، ص ۲۶۴.

۴. ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج ۶، ص ۸۲.

آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافته بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می خواست به خانه عمویش حضرت ابوطالب علیه السلام برگردد، ملکه بطحاء و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود، این گونه او را مخاطب قرار می دهد:

(الی بیتک، فبیتی بیتک و انا جاریتک: به خانه خودتان وارد شوید، خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم).<sup>۱</sup> البته این همه احترام و پاسداشت، به خاطر عقیده و ایمان او به توحید و نیز توحیدگرایی او بود و بس.<sup>۲</sup>

### ۳-۵ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و امر به معروف و نهی از منکر

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نیز این چنین بود و از وقتی که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ایمان آورد تا وقتی که رهسپار عالم آخرت گردید پا به پای همسر بزرگوارش در این راه قدم برداشت و در این مسیر چه محنتها و مرارتها که نکشید اما برای اینکه به مقامی که خداوند برای آمرین به معروف و نهی کنندگان از منکر در نظر گرفته نائل شود همه این سختی ها را تحمل نمود و از ملامت هیچ کس ملامت کننده ای نهراسید و خسته نشد.<sup>۳</sup>

### ۳-۶ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و اشتغال زایی

مهم ترین و سرشناس ترین مردم عربستان در شرق این شبه جزیره و در شهری به نام مکه زندگی می کردند، خانه های آنان در اطراف ساختمان کعبه قرار داشت و فاصله هر کدام از این مکان مقدس و مبارک به اهمیت و مقام صاحب آن منزل بستگی داشت، در نزدیک ترین خانه ها به کعبه طایفه ای به نام قریش بود که نگه داری از کعبه و ادوات آن به عهده این قبیله بود. در میان قبایل مکه معیارها و امتیازات اجتماعی بر اساس موقعیت طایفه ای، حسب و نسب، ثروت و خدمه و امکانات تعیین می گردید و متأسفانه بر اساس رسوم جاهلی افراد برای رسیدن به چنین وضعی و کسب درجات اجتماعی به خلاف روی می آوردند، به جان و مال افراد تعرض کرده، اموال ضعیفان را به زور غارت می کردند و رباخواری امر رایجی بود. به همین دلیل گروهی از اهل انصاف و حامی عدالت با یکدیگر پیمانی منعقد کردند تا بر اساس آن از حقوق محرومان دفاع کنند و مانع چپاول زورگویان گردند.

در چنین محیطی بانویی ثروتمند به نام خدیجه (سلام الله علیها) زندگی می کرد. این بانو با فرساتی که داشت آن چنان تدبیری به کار برد که دارایی های او اولاً از راه نادرست فزونی نیابد، ثانیاً کوشید با نوعی

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. قمی، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۲، ص ۵۷۰.

۳. تهرانی، خصائص ام المومنین خدیجه کبری (سلام الله علیها)، ج ۱، ص ۴۸۷.

مدیریت و نظارت صحیح اقتصادی به گردش افتد تا در جامعه آن زمان ضمن به وجود آوردن نوعی پویایی اقتصادی، باری از دوش بیکاران، گرفتاران و نیازمندان بردارد. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با ایجاد مناسبات تجاری بین حجاز و دیگر مناطق جهان به بهبود روابط این سرزمین کمک کرد، که این امر امنیت منطقه‌ای را افزایش داد.

او که ثروت خود را بر اثر فعالیت‌های سالم بازرگانی و میراث شوهرانش به دست آورده بود، به وسیله خدمه‌ای که افراد سالمی بودند، در قالب کاروان‌های بازرگانی به کار گرفت، هشتاد هزار شتر در قالب کاروان‌های متعدد اموال او را به کانون‌های مهم اقتصادی آن جهان همچون یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین، عمان، حبشه، فلسطین و دیگر نقاط حمل می‌کردند و در صادرات و واردات بین نواحی مذکور وارد می‌شدند.

به غیر از این‌ها حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در شمال و شرق آفریقا نمایندگی تجاری داشت و عده‌ای در نقاط مورد اشاره مشغول جابه جایی کالاها بر اساس نیازهای اهالی مبدأ و مقصد بودند. بر اساس گزارش مورخان حضرت خدیجه (سلام الله علیها) چهار صد نفر کارگزار، خدمه و ناظر ویژه در اختیار داشت، که امور او را در این قلمرو عریض و طویل اداره و نظارت می‌کردند.

ایشان با وجود این همه دارایی و تجارت گسترده، هیچ گاه به اموال و شکوه اجتماعی خود دل نبست و ضمن این که نمونه بارزی از زهد و بی رغبتی را در این عرصه به نمایش گذاشت، با سخاوتی ستودنی و فروتنی فوق العاده‌ای، افراد درمانده و محروم را تحت حمایت خویش قرار می‌داد. مردانی بی کار و معمولاً از طبقات فقیر و کم درآمد که از خود سرمایه‌ای نداشتند؛ ولی دارای توانایی در فعالیت‌های تجاری و ارتباطی بودند، در دستگاه خدیجه (سلام الله علیها) به کار گرفته می‌شدند و در ازای توانایی خود حقوق کافی دریافت می‌کردند و سود و زیان معاملات مربوط به خود ایشان بود.

این روند دو فایده داشت: نخست این که با به وجود آوردن فرصت‌های شغلی خانواده‌ها را امیدوار می‌ساخت و در ثانی این به کارگرفته‌ها را به قوانین و راه و رسم بازرگانی درون مرزی و منطقه‌ای آشنا می‌ساخت تا بتوانند بعدها روی پای خود بایستند و با استقلال اقتصادی به تلاش‌های خود در این قلمرو ادامه دهند. به علاوه، اشتغال صدها جوان و انسان‌های فعال در زمینه‌های تجاری جلوی عادت‌های زشت، درآمدهای حرام، غارت‌گری و رباخواری را می‌گرفت و از این رهگذر زندگی مردم از آلودگی‌های گوناگون و سوء استفاده‌های مالی مصون می‌ساخت.<sup>۱</sup>

۱. رفیعی محمدی، شناخت نامه حضرت خدیجه سلام الله علیها، ج ۳، ص ۲۹۹.



در شیوه دیگری بانوی قریش با افرادی قراردادهایی منعقد می‌ساخت که از مقداری سرمایه برخوردار بودند، او با آنان در مال التجاره شریک می‌شد، هرچند سهم افزون تر مربوط به خدیجه (سلام الله علیها) بود، سپس کارگزاران را در سود حاصله از اموال تجاری سهیم می‌کرد. اگر با پول او سودی به دست می‌آمد، هم او و هم عاملانش از آن بهره مند می‌گردیدند و اگر متحمل خساراتی می‌شد، می‌کوشید جور شریکان را به تنهایی تحمل کند.<sup>۱</sup>

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در این فعالیت اقتصادی قابل توجه، تمامی بدهکاران، عوامل اجرایی، خدمه، رابطین و ناظران را از میان انسان‌های سالم، امانت دار، درست کار و ریشه دار برمی‌گزید و به همان گزینش اولیه اکتفا نمی‌کرد و چنین کاروان عظیمی را با انگشت تدبیر و درایت مدیریت می‌کرد و چنان بر آنان نظارت داشت که مبادا دچار فساد، خطا، رشوه خواری، سوءاستفاده و کج روی گردند و مورخان و راویان حتی نمونه‌ای از خلاف کاری در این مجموعه وسیع گزارش نکرده اند.

او برای افزایش توانمندی کارکنان و ایجاد رقابتی سالم و ثمربخش و تقویت انگیزه‌های کارگزاران، برنامه‌هایی ویژه را به اجرا می‌گذاشت و هدایا و تحفه‌هایی را به کارکنان با بازدهی مؤثر اختصاص می‌داد. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی این بانو فرموده اند: «من کارفرمایی مهربان تر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه (سلام الله علیها) نسبت به خدمه اش ندیده ام، هر گاه من و دوستم پس از کار و تلاش و انجام مأموریت نزدش می‌رفتیم، غذای گوارایی که به اشاره او برایمان تدارک دیده شده بود، به ما می‌دادند. او با خدمه و زبردستان بزرگوارانه و بر اساس کرامت انسانی رفتار می‌کرد.<sup>۲</sup>

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) در مورد وظایف هر کدام از کارکنان کنترل‌های ویژه و احیاناً نامحسوسی را اعمال می‌کرد و چگونگی تلاش‌های آنان را به صورت دقیق و پی گیر با یکدیگر مقایسه می‌کرد و با اعمال اصلاحات و بررسی‌ها و ارزیابی‌هایی از خطاها و انحراف‌ها که در طرح‌ها و برنامه‌ها پیش می‌آمد، تا سرحد امکان جلوگیری می‌کرد و یا آنها را به حداقل می‌رساند. اگر به کسی مأموریتی را محول می‌ساخت، بازرسی ویژه‌ای را در نظر می‌گرفت تا بر منش، رفتار، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های تجاری و مبادلاتی او نظارت کند و حاصل مشاهدات و ارزیابی‌های خود را به ایشان گزارش دهد و این ویژگی از درایت و بصیرت ایشان حکایت دارد.

۱. ابن هشام کلبی، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۹ - ۲۰۰.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۰.

هم چنین حضرت در برنامه‌های بازرگانی خویش از تجربه‌ها، دانش‌ها و فنون دیگران بهره می‌برد و هنگام طراحی کاروان‌های تجاری به مقاصد گوناگون، با افراد صاحب نظر و خبره به مشورت می‌پرداخت، انتخاب هنگام سفر، نوع کالای مورد نیاز در سرزمین مبدأ، خرید اقلام از کشورهای دیگر، میزان محصولات صادراتی و وارداتی، چگونگی ارتباط برقرار کردن با دیگر کانون‌های تجاری و نحوه بازاریابی، از مسائل مورد مذاکره در جلسات مشورتی وی بود که به کمک مشاوران کاردان و با تدبیر خود چنین اموری را تنظیم و برنامه ریزی می‌کرد.

ابن هشام در «سیره النبویه صلی الله علیه و آله وسلم» می‌نویسد:

حضرت خدیجه علیها السلام با هوش سرشار، و مغز اقتصادی بی نظیرش، برای جوانان قریش ایجاد اشتغال می‌کرد، و سرمایه در اختیار آنها قرار می‌داد و به صورت مضاربه آنان را به تجارت وا می‌داشت.<sup>۱</sup>

۳-۷ حضرت خدیجه (سلام الله علیها) و هجرت

حضرت خدیجه (سلام الله علیها) مصداق این آیه قرآن می‌باشند: (الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَّهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ)<sup>۲</sup>

کفار و مشرکان قریش عهدنامه‌ای علیه اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و مسلمانان بستند و آنها را در محاصره اجتماعی و اقتصادی قرار دادند، ولیکن رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) همراه با بنی هاشم و بنی مطلب و بنی عبد مناف در شب اول مُحَرَّم سال هفتم بعثت به شعب ابی طالب مهاجرت کردند و خدیجه (سلام الله علیها) در کنار او به عنوان یار و یآوری صدیق، فداکاری‌ها کرد و با حمایت گسترده از ر برای گسترش اسلام و فزونی یافتن تعداد مسلمانان و عزیمت عده‌ای از آنها به حبشه به دستور اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) و نیز ایجاد پایگاهی مهم برای ترویج اسلام و ناامیدی و شکست سران کفر و شرک، تمام اموال و دارایی‌های خود را هزینه کرد.

همراهی او با پیامبر و مسلمانان در شعب و کمک‌هایی که نزدیکان پدری او برای مسلمانان به شعب می‌فرستادند، مایه قوت قلب مسلمانان بود. این همراهی و همکاری و فداکاری صادقانه، از مصداقی عینی و مثال زدنی از زنان مهاجر و مجاهد ساخته بود که همواره اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) یاد و نام او را بسیار بزرگ می‌داشت و نشانه محبت خدیجه (سلام الله علیها) به خداوند پیروی خالصانه او از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بود.<sup>۳</sup>

۱. ابن هشام کلبی، سیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۲. توبه، آیه ۲۰.

۳. آل عمران، آیه ۳۱.

## ۵- نتیجه گیری

- با توجه به جمع بندی مطالب و اطلاعات داده شده در متن تحقیق، نتایج مقاله به شرح ذیل می باشد:
۱. زنان جامعه نقش غیر قابل انکاری در جامعه دارند و با حضور پر رنگ خود می توانند تحولات عظیمی را به وجود آورند.
  ۲. اسلام به زنان ارج ویژه ای نهاده و نه تنها آنان را از فعالیت اجتماعی منع نکرده است بلکه با ارائه الگویی مناسب، آنان را به حضور در اجتماع تشویق نموده است. یکی از بهترین اسوه های زنان، حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، همسر گرامی رسول خدا، می باشند.
  ۳. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) پا به پای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم)، در اجتماع فعالیت داشتند و همواره پشتیبان ایشان بوده اند.
  ۴. این بانوی با کرامت اسلام را با جان و دل پذیرفتند و از آن دفاع نمودند و با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بیعت کردند که تا آخرین لحظه از عمر مبارکشان، همراه و پشتیبان آن حضرت باشند.
  ۵. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با ثروت فراوانی که داشتند، همواره حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسلمانان را در شرایط سخت مالی و فشارهای وارده از سوی دشمنان، یاری می دادند.
  ۶. در اوایل دعوت علنی به اسلام تا گسترش آن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مورد تمسخر و اذیت و آزار روحی قرار می گرفتند که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با محبت و آرامش دادن، قلب ایشان را تسکین می دادند.
  ۷. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) همواره با منکرات اجتماعی برخورد نموده و اسلام را با امر به معروف و نهی از منکر زنده نگه داشتند.
  ۸. خدیجه کبری (سلام الله علیها) با مسلمانان هجرت نمودند تا بتوانند جانیشان را حفظ کنند و دینشان را گسترش دهند. این نیز الگویی است برای همه که در زمانی که جان و دین در خطر است باید هجرت نمود و پشتیبان ولایت بود.
  ۹. حضرت خدیجه (سلام الله علیها) با استفاده از مال و تدبیری که داشتند، برای مردم اشتغال زایی می کردند و بدین وسیله کمک حال محرومان نیز بودند.

۱۰. زنان جامعه نیز می‌توانند با تاسی از حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) حضور مفیدی در اجتماع داشته باشند تا موجب رشد فردی خود و رشد اجتماعی مردم شوند.

## ۶- منابع

### • قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد، (بی تا)، شرح نهج البلاغه، چاپ اول قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۲. ابن اثیر، (۱۴۰۹ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالفکر.
۳. ابن عبد البر، (۱۴۱۲ق)، استیعاب، بیروت: انتشارات دارالجمیل.
۴. ابو منذر، ابن هشام کلبی، (بی تا)، سیره النبویه، چاپ اول بیروت: دارالمعرفه.
۵. تهرانی، حسین، (۱۳۹۳)، خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری (س)، قم: طوبای محبت.
۶. جلیلی، هادی، (۱۳۹۷)، درآمدی بر جامعه‌شناسی، نشر نی.
۷. جوهری، شکیبا سادات، (۱۳۸۷)، معماران تربیت: زن از دیدگاه اسلام و رهبران انقلاب اسلامی، قم: دفتر عقل.
۸. حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۶)، دانشنامه عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات پیک ترجمه و نشر.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. رفیعی محمدی، (۱۳۹۸)، شناخت نامه حضرت خدیجه (س)، انتشارات جامعه المصطفی.
۱۱. سیلاوی، غالب، (۱۳۸۳)، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، چاپ دوم، انتشارات محلاتی.
۱۲. عاملی، سیدجعفر مرتضی، (۱۴۱۶ق)، الصحیح من سیره النبی الاعظم، سحرگاهان.
۱۳. عسقلانی، ابن حجر، (۱۴۱۵ق)، الاصابه، چاپ اول، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه.
۱۴. قمی، شیخ صدوق، (۱۳۸۲)، کمال الدین و تمام النعمه، قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۵. قمی، شیخ عباس، (۱۳۹۳)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، چاپ دوم، مؤسسه انتشاراتی کتاب عتیق.
۱۶. گلدانی، زهرا، (۱۳۸۲)، حقوق زنان، انقلاب اسلامی و فرآیند جهانی شدن، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۶)، بحار الانوار، چاپ چهارم، انتشارات اسلامی.
۱۸. مشیر الدین، ابن شهر آشوب، (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب، قم: انتشارات علامه.

۱۹. معین الاسلام، مریم، (۱۳۸۳)، زنان و برنامه تربیتی اسلام، چاپ اول، انتشارات بیت الحزان.
۲۰. نیشابوری، حاکم، (۱۳۹۰)، المستدرک علی الصحیحین، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. همسر آفتاب، (۱۳۸۵)، گروهی از نویسندگان، قم: کتاب طه، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
۲۲. یعقوبی، احمد بن واضح، (۱۳۸۹)، تاریخ یعقوبی، چاپ یازدهم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.